

با چهره‌های محرمی سیما

چهره‌های شاخص عاشورایی

سینمای ایران در حوزه عاشورا نسبتاً کم کار بوده است. در این پرونده به مهمترین فیلم‌ها، کارگردانان و چهره‌های ماندگار در حوزه عاشورا پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

۱۳۶۷

رسول ملاقلی پور / افق / جهانبخش سلطانی



افق دیگر فیلمی از مرحوم رسول ملاقلی پور است که عاشورا و حوادث آن را دستمایه یک قصه دفاع مقدسی قرار داده است و تلاش رزمندگانی به نام نصرت برای انهدام سکوی الامیه را به تصویر می‌کشد که طی آن نصرت به تنهایی به مأموریت شناسایی و عکس برداری از اسکله می‌رود. هم‌رزم او، احمد، که می‌داند نصرت بیمار است به دنبال او روان می‌شود. آن‌ها به محاصره دشمن درمی‌آیند. احمد نصرت را فرار می‌دهد و خود دستگیر و کشته می‌شود و با اطلاعاتی که نصرت در اختیار رزمندگان قرار می‌دهد، سرانجام اسکله الامیه توسط رزمندگان سپاه پاسداران و بسیج منهدم می‌شود. فیلم سینمایی «افق» در آخرین سال جنگ، یعنی سال ۱۳۶۷ ساخته شد و موفقیتش تا آنجا بود که در زمان اکران به دومین فیلم پرفروش سال تبدیل شد. رسول ملاقلی پور در فیلم «افق» به موضوع جالبی پرداخته است؛ سوژه‌ای که تا آن زمان فیلمسازان به سراغش نرفته بودند و درباره‌اش فیلمی ساخته نشده بود.

فیلم «افق» درباره غواصانی است که قرار است طی عملیاتی اسکله «اداری» الامیه عراق را منهدم کنند که همین عملیات بهانه‌ای است تا ملاقلی پور بر خلاف آثار پیشینش از زوایای جدیدی به جنگ بنگرد. ملاقلی پور در این فیلم از رئالیسم فاصله گرفته و به جنگ‌نگاهی سوررئالیستی دارد، گواه این ادعا صحنه‌های رویاگونه‌ای است که در فیلم یا در دنیای ذهنی آدم‌های فیلم تکرار می‌شود.

سلطانی درباره اتفاقات پس از ساخت فیلم نیز می‌گوید: یاد می‌آید رسول ملاقلی پور به من زنگ زد که فیلم در تهران در حال پخش است من هم به تهران رفتم. مردم مرا با دست بلند می‌کردند و مرا «رمبو» ایرانی می‌خواندند. او درباره دشواری‌های ساخت این فیلم نیز می‌گوید: در گرمای جنوب خاطر می‌آید که لباس غواصی می‌پوشیدیم، لباسی که در زمستان هم اگر می‌پوشیدیم خیس عرق می‌شدیم چرا که همه منغذهای آن بسته است و در آن گرما باید با آن لباس زیر آب می‌رفتیم از دست و پایمان عرق می‌ریخت. یک بار خاطر می‌آید سوار کشتی شدیم آنقدر حامل بد شده بود که سید جواد هاشمی را روبرویم نمی‌دیدم خلاصه ما را به ساحل برگرداندند و به بیمارستان منتقل کردند، گویی از کمر به پایین فلج شده بودم تکان نمی‌توانستم بخورم.

۱۳۶۱

فریبرز صالح / سفیر / فرامرز قریبیان



فیلم سینمایی سفیر به کارگردانی فریبرز صالح را می‌توان نخستین فیلم جدی با مضمون پرداختن به قیام امام حسین (ع) معرفی کرد. این اثر در سال ۱۳۶۱ زمانی که سینمای ایران هیچ تجربه تصویری از این واقعه ثبت نکرده بود و در روزهای آغازین هویت‌مندی‌اش می‌خواست پو و بال بگیرد بر اساس فیلمنامه مشترک فریبرز صالح و زنده یاد کیهان رهگذر به تصویر در آمد. سفیر ماجرای قیس ابن مسهر صیداوی نماینده امام حسین (ع) است که با نامه‌ای محرمانه برای سلیمان خزاعی به طرف کوفه حرکت می‌کند. او در راه به دست راهداران ابن زیاد والی کوفه دستگیر می‌شود. قیس قبل از دستگیری نامه امام را از بین می‌برد. حسین ابن نمیر، فرمانده راهداران، قیس را به زندان ابن زیاد در کوفه منتقل می‌کند اما قیس در زندان زندانیان را بر ضد زندانیان‌ها می‌شوراند. ابن زیاد که از این اتفاق مستاصل شده می‌خواهد این اتفاق را به نفع خودش تمام کند به همین دلیل به پیشنهاد مشاورش، خالد، از قیس می‌خواهد در مسجد سخنرانی کند و به دروغ به مردم بگوید امام قصد بیعت با یزید را دارد.

در ابتدا قرار بود این فیلم به صورت یک اثر ۷۰ دقیقه‌ای تلویزیونی ساخته شود که در نهایت تبدیل به فیلمی سینمایی شد. صالح با در نظر گرفتن شرایط زمانی سال‌های نخستین انقلاب در شرایطی که تولید و نمایش در سینمای ایران همچنان با تکلیف است تصمیم می‌گیرد که با ساخت این فیلم در سینمای ایران یا به‌گذار نوعی دگرپرسی در روند تولیدات سال‌های اولیه انقلاب باشد که البته در این راه موفق عمل کرد و با هر بار بازپخش آن در تلویزیون، بینندگان زیادی مخاطب آن هستند. «سفیر» که در همان سال به عنوان پرفروش‌ترین فیلم سال لقب گرفت، نه تنها در زمان خود بلکه تا یک دهه به عنوان یک فیلم خوش ساخت مذهبی به شمار می‌آید. به طوری که بعضی از صحنه‌هایش هنوز هم برای بیننده جذاب است. فیلم به‌دور از هر گونه شعارزدگی داستانی را روایت می‌کند که مقدمه قیام عاشورا و به نوعی همراه با فضای انقلابی آن زمان است.

قرار بود فیلمبرداری ظرف مدت زمان سه ماه تمام شود و فرامرز قریبیان ۸۰ هزار تومان دستمزد گرفت، اما به دلیل طولانی شدن زمان فیلمبرداری گروه بازبگرا سه بار دستمزد گرفتند؛ یعنی فرامرز قریبیان برای سفیر ۲۴۰ هزار تومان دستمزد گرفت.